

## کار است و کار در تیغ و جوهر

**سارا کریمان**؛ نقاش بداهه‌سرا که مولود رنگ و بوم را یک اتفاق می‌داند؛ حسین مجنی رنگ‌ها را بی‌پروا، حجیم و غلیظ روی بوم می‌گذارد و خطوط را بدون طرح و کمپوزیسیونی از پیش معین در مسیر اکنون و آتی هدایت می‌کند؛ فرصت بروز احوالات بدون اندیشیدن به محدودیت‌ها و خلق آثاری با مقبولیت زیباشناختی رایج. هنرمند می‌خواهد روی بوم نقاشی بکشد، نه قصبه بگوید نه چیدمانی دکوراتیو ایجاد کند. نه شبیه‌سازی عینیتی بیرونی را رقم بزند. تغزل موجود در آثار مجنی برخاسته از وفور احساس و تسلطش بر مدیوم نقاشی است. مجنی در تشریح تکنیک هنری از بداهگی سخن گفته است که لفظی نسبتاً موسیقایی و متکی بر ماهیت غیرمادی هنر موسیقی است که فرم‌ها را در حالتی انتزاعی واگویی می‌کند. کاندینسکی در سال ۱۹۱۲ با انتشار کتاب معنویت در هنر، فراخوانی برای انقلابی معنوی در نقاشی داد؛ انقلابی در جهت شناخت و بازیابی ابعاد روانی و اهمیت بازگویی احساسات هنرمند در نقاشی. همچنین کاندینسکی نسبتی عمیق میان امکان راه‌ی و شاعرانگی در نقاشی و ذات انتزاعی موسیقی برقرار می‌کند. حسین مجنی در هنر از مسیر آکادمی‌ها و دانشگاه‌ها عبور

می‌کند اما به گفته او تأثیر عمیق بر شکل‌گیری شخصیت هنری‌اش حاصل آشنایی با مکاتب اندیشه و هنری افرادی مانند هانیبال الخاص بوده است. سال‌ها معاشرت با اهالی اندیشه، ممارستی برای ظهور سبک و بیان شخصی شد. در مجموعه تیغ و جوهر، بوم‌ها کل پوشانی شده‌اند و رنگ‌ها بی‌محایا روی بوم در هم آمیخته‌اند. روشن‌ها مکدر و جزئی هستند. صورت‌هایی محزون و اکسیرسیو با خطوطی در چندلاریگی رنگ‌ها تصویر شده‌اند. فیکورها به غایت ساده و جزئی شده و حامل تلخ‌ترین احوالات انسانی است. صورتی ماتم‌زده که به دشواری از میان انبوه رنگ‌ها و خطوط، بی‌تاسب و زیبایی، بازگونه و کج و معوج، اظهار وجود می‌کند؛ وجودی پرملغمه، بی‌روشنی اما اجباری. گویی آدم‌های این قاب‌ها نسلی از جنگ برآمده، ناقص‌الخلقه و دفرمه‌شده هستند که آمال و اندوهی ناگفتنی به همراه دارند. قریب به ۵۰ سال از اولین نمایشگاه حسین مجنی می‌گذرد. او در ده‌ها نمایشگاه فردی و گروهی در داخل و خارج از کشور شرکت کرده است. او در ۵۰ سال فعالیت حرفه‌ای انزوا و تنهایی را مسیر رشد هنرمند شناخته و بر سلوکی معنوی در کنکاش و بیابگری هنری خود مقید است. او هنر و

به بهانه نمایشگاه نقاشی‌های **حسین مجنی** با نام **«تیغ و جوهر»** بر دیوارهای گالری **گویه**

# جهان امروز را جای امنی نمی‌بینم



طراحی می‌کردم و همیشه نمره خوبی می‌گرفتم. بعد از دیپلم کنکور هنر دادم و در ورودی آن سال شاگرد اول شدم و بیشتر در این فکر بودم که مهارت‌های اولیه را بیاوموزم و بیشتر از کتابخانه دانشگاه استفاده کنم. هنوز هنر به سراز من نیامده بود، بلکه اولویت یادکردن تکنیک‌هایی برای ابراز بیان یا خواندن آوازی بود که خود از آن بی‌خبر بودم. می‌خواستتم این مسئله را برسانم که زمان و بستر زندگی باید طوری فراهم شود که آن جرقه و آن «آن» متولد شود و آنگاه می‌توانیم بگوییم هنر و هنرمند سراخ هم رفته و یکدیگر را در نقطه‌عطفی ملاقات کرده‌اند و سرآیند و هنر آغاز می‌شود. که عشق آسان نمود اولی افتاد مشکل‌ها.

♦ **همان‌طور که از سابقه برمی‌آید و البته مجموعه آثار و فعالیت‌ها، حضور جدی در هنر نداشته‌اید و لسی به آن میزان حضور رسانه‌ای یا سروصدا به اندازه مقدار حضور نمی‌بینیم؟**

**آیا این در حاشیه نشستن و کارکردن تعدمی است؟**

چراهای بسیاری وجود دارد که چرا بعضی وقت‌ها هنرمندی در سایه می‌ماند و در بوق و کرنا دمیده می‌شود، البته هنرمندان عمیق و جدی دارای مرض شدیدی هستند و از خود بی‌خبر می‌شوند و بیشتر در کار خود عمیق و به راستای زندگی و کار خود فکر می‌کنند و به دنبال تبلیغات نیستند و حتی به قول ایرج‌میرزای بزرگ فرصت پاکبوسی‌کردن اشعار خود را ندارند. برای هنرمندی که راه حرفه‌ای‌بودن را برمی‌گزیند، باید ابزار و ادواتی باشند که آنها نیز حرفه‌ای عمل کنند، مثل اسپانسر یا رسانه‌هایی که به دور از غرض و مرض باشند و سواد خواندن نوشته‌های او را داشته باشند و به قول معروف او را لانسه کنند. من هنرمندی مستقل بوده و هستم و از مشارکت‌های گروهی کناره گرفته و بیشتر مشغول کار بوده‌ام. البته در زمان خود، کارهایم رسانه‌ای شده و همیشه نقدهای خوب و مثبتی از کارهایم گرفته‌ام. اما چون اعتقاد داشتم که هنرمند نباید رج بزند و خود را تکرار کند، تا زمانی که کتاب و بیان تازه‌ای نمی‌داشتم اقدام به برگزاری نمایش نمی‌کردم و فاصله سه سال یا پنج سال که شاید حفظه جمع‌ای را به خود معطوف نکرده باشم و از طرف دیگر، در یک جامعه پر از سوتفاهم به سر می‌بریم و جناح‌بندی‌ها و دسته‌بندی‌های مختلف وجود داشته که ما از آن بی‌خبر بوده‌ایم و در آن شرکت نمی‌کردیم و همین امر ممکن است تا حدودی من و کارهایم را در محاق و سایه نگه داشته باشد، اما به قول معروف همیشه خورشید را نمی‌توانند در زیر ابر پنهان کنند. اگر فروغ و دستمایه‌ای از کارها باشد، در زمان خود روشن و تابناک خواهد شد.

♦ **در خلق اثر جقدر به خودآگاه و ناخودآگاه و تقسیم‌های این‌چنین معتقد هستید و خودتان را در هنگام تولید اثر مقید به نظم و طرح از پیش فکرشده می‌دانید، یا پیرو هرچه پیش‌آید خوش‌آید و به ناخودآگاه خود می‌سپارید؟**

هنر در بنیابین ضمیر آگاه و ناخودآگاه خواب و بیداری اتفاق می‌افتد و وزنه احساس است که یک اثر را موفق یا غیرموفق می‌کند.

در بداهه‌نوازی موسیقی یا بداهه‌سرایی یا بداهه در نقاشی، زمینه‌ها و محاکاتی را باید طی کرده باشی تا بتوانی به روانی آب حرکت کنی و شاهد تولد اثری باشی. روزی شخصی از من سؤال کرد که این کارها را با چه حسانی نقاشی می‌کنی؟ گفتم حساب مال حساب است و اینجا هنر و احساس است که حرف اول و آخر را می‌زند. استایل و سبکی که من کار می‌کنم احتیاج به پیش‌طرح و کالش ندارد بلکه شما با اولین ضربات قلم‌وم با بوم نقاشی در گذش

هستید و آن‌قدر طرح و رنگ سبک و سنگین می‌شوند تا در جایی خود می‌گوید که به نوعی کمال نزدیک شده‌ایم. در آن لحظه قلم از حرکت بازمی‌ایستد و دیگر نمی‌توانی نقطه‌های به آن اضافه یا نقطه‌ای را کم کنی. هرچه پیش‌آید خوش‌آیدی در کار نیست، بلکه حاصل کار باید به کمالی نسبی رسیده باشد تا به آن رضایت بدهی و آن تاریخ و امضا بزنی و مهر تاییدی بر آن اثر بخشی.

♦ **سرچشمه اصلی کارها و سوزوه‌های خود را کجا می‌دانید و بهتر است بگویم ایده اصلی کارهایتان کجاست؟**

سرچشمه و سوزه اصلی کارهای من زندگی و نگاهی است که به خود و جهان اطراف خود دارم. سوزه و ابژه در کارهای من درهم‌تنیده هستند و هیچ‌گاه سوزه‌ای را انتخاب نمی‌کنم، بلکه در پهنای بوم می‌خواهم سوزه را متولد و تمام‌شده به دست بیاورم. انتخاب نمی‌کنم بلکه او انتخاب می‌کند و در یک نقطه به هم می‌رسیم. انتخاب سوزه و پروردن آن یک امر آگاهانه تعدمی است و باید اتود بزنی و کار را بیرونی و به سوزه نزدیک شوی که به نظم کاری عبث است و بیشتر شما را از سوزه دور می‌کند و چیز دیگری از کار درمی‌آید. ♦ **تمرکز بر رنگ‌های محدود و خاکستری یکی از مشخصه‌های آثار شماست. رنگ در کارهایم تا هم نرمندی دیالوگ حسی را با بیننده می‌خواهد توصیف کند؟**

وقتی دنیا خاکستری باشد، رنگ‌های خالص جلوه‌گری می‌کنند و دیالوگ زیبایی آغاز می‌شود. در این‌ زمینه یکی از هنرمندان بزرگ و پراندیشه و توانمند که می‌شناسم، خاکستری و رنگ‌های خالص را به خوبی در خدمت گرفته و تنها این نیست که با رنگ بازی کرده باشی، قوی‌ترین دیالوگ حسی را با بیننده برقرار می‌کند و هزار جهت را نشانه می‌رود و زندگی و بازیگوشی او در کارهایش او را در ردیف شاعرانی همچون عبید بزرگ قرار می‌دهد. او و جناب کیومرث هاربا که در زمینه بالندگی فرهنگ و هنر ما گلی است که در جنگلی وحشی رویده که بسیار با عظمت و ماندگار است، طول عمر و طول آتارش را آرزو دارم. شایعه کرده‌اند که هنرمندان با هم نمی‌سازند؛ گوئن به ونگوک حمله کرد و ونگوک بینی خود را برید و به… هدیه داد.

اگر تضاد یا چالشی باشد در نوع نگاه، اندیشه و راه هنرمند است که نقدهایی را برمی‌انگیزد و خروس جنگی ظاهر می‌شود. سنت بسیار آرام و مردابی است و آفرینش و بدعت خواب مرداب را آشفته می‌کند. بنابراین چنین تضادهایی مثل تضاد خاکستری و رنگ‌های روشن است. در کارهای من هیچ یا خیلی کم آگاهانه نگاه می‌کنم و بیشتر دست من نقاشی می‌کند با بدون اینکه به چشم و ذهن اجازه سبک و سنگین و آگاهی و فکر سالوس که همیشه نفع‌طلب است، تکیه و اجازه‌ابراز وجود بدهم، پس خیلی نمی‌توانم خود و کارهایم را آتالیز کنم و بهتر است شما و هم بلکه بهتر است از درجه احساس به آن نگاه کنیم.

♦ **جقدر اهل مطالعه هستید و چه آثار و کتاب‌های بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری آثار و جهان‌بینی شما بر جای گذاشته‌اند؟**

اهل مطالعه یعنی توانای عوامل درونی و بیرونی را به روشنی بینی و راه درست را انتخاب کنی که در عمر کوتاه خود به بیرهه نروی و یمین و بیسار و جابلقا و… را درست بینی و جهت را اشتباه نروی و اگر راه هنر را در پیشش داری یا در زندگی به درستی کام برداری. در زمانی که کتاب زیاد می‌خواندم و گوش‌به‌زنگ بودم که چه شعر و شاعری به پشت وپنن کتاب‌فروشی آمده یا چه کتابی

هنرمند را آزاد و آزاداندیش طلب می‌کند؛ بی‌بهاوی کوچه و بازار، چنان غوطه‌ور و رها تا تجربه زندگی ودیعه خلق هنری را نیز به انسان دهد. بیابنه نمایشگاه تیغ و گوهر به قلم خود هنرمند چنین نگاشته شده است:

«گفتن از هنر محال است؛ چون بخواهی طعم سیب را جرمان باشی. راه است و راه در انتهای چشم‌انداز صبح. فراز و نشیب است و غمی طرب‌انگیز. افتادگی و سرفرازی است… در عشق‌های مکرر. خالق به نقض است در جلوه‌های پای‌رجا. پریشان‌گویی‌های پنهان لمیده در بستر شب. آواز اجنه‌های بازیگوش. کار است و کار در تیغ و جوهر».

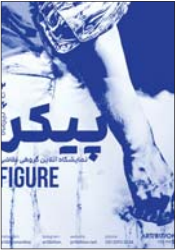
می‌توان چنین تفسیر کرد که هنرمند افت‌وخیزها و تجربیات زندگی را تضادی انکارنشدنی می‌داند که نتیجتاً معنای هستی و خلق هنری است. تیغ و جوهر ابزاری برای خلق هستند و معانی ضمنی و استعاری در پیرامون ما دارند که دست آخر «کار است و کار در تیغ و جوهر». این نمایشگاه از جمعه ۲۶ خرداد تا دوشنبه پنجم تیر در گالری گویه برقرار است.



### اخبار برگزیده

نمایش گروهی با آثاری فیکوراتیودر سایت آرتیبیشن

«پیکر» با نگاه به کهن‌ترین سنن هنر



نمایشگاه گروهی «پیکر» با آثاری فیکوراتیو از دوم تیرماه به صورت آنلاین در سایت گالری آرتیبیشن به نمایش درمی‌آید. این نمایشگاه با ۲۸ اثر منتخب از نقاشی‌های فیکوراتیو هنرمندان برجسته هنر تجسمی ازجمله مژگان مدنی، رامش لاهیجی، آرمان استپانیان، فرشته شادی، ارشاد علی عسگری، غزاله خوشقدم، مجید شجاعیان، رضا هدایت، سارا کشمیری، شهلا حسینی، شهروز حدیدی، صادق فرهادیان، آیدا صراطی، نوشین ودایی، آنه محمد تاتاری، هانیبال الخاص، طلیعه کامران، آرزو شهسادی، غزل فعلان، مهرداد ختانی، بابک حقی و ابراهیم برفرازی شکل گرفته است.

در بخشی از استیتمنت نمایش گروهی «پیکر» نوشته شده: «حاصل اکتشافات باستان‌شناسی نشان می‌دهد که کشف هنر در غارها با تصویرکردن پیکره‌های انسانی و حیوانی آغاز شده است. هنوز هم تصویرکردن پیکره‌های انسانی، حیوانی یا حتی گیاهان و هر آنچه که به چشم آشناست، بخش بسیار بزرگی از آثار هنری را شامل می‌شود. به واسطه وسعت این شاخه از هنرهای بصری، تقسیم‌بندی هنر پیکرنگارانه بسیار دشوار است. ولی در نهایت به نظر می‌رسد که دلبستگی برای تصویرکردن آنچه دور و برمان می‌گذرد، در نهایت مضمون مهمی در بین هنرمندان پیکرنگار به حساب می‌آید.

نمایشگاه کنونی شامل نمونه‌هایی از هنر پیکرنگارانه ایران معاصر است که بخش کوچکی از این سنت وسیع را به نمایش می‌گذارد. این نمایشگاه نه کامل است و نه ادعای نمایندگی کل هنر پیکرنگار معاصر را دارد، اما تلاشی است برای نمایش آثار هنرمندانی که همچنان به یکی از کهن‌ترین سنن هنری در جهان وفادار مانده‌اند.» نمایش گروهی «پیکر» از روز جمعه به تاریخ دوم تیرماه تا جمعه ۱۶ تیرماه به صورت آنلاین در سایت آرتیبیشن ادامه دارد.

نمایشگاه «در برابر فراموشی» در خانه هنرمندان رونمایی می‌شود

به یاد آر



نمایشگاه عکس و ویدئوی «در برابر فراموشی» به کارگردانی و کیورتوری علی پاکزاد با نمایش آثار مستند مربوط به حضور او در افغانستان و اوکراین از اول تیرماه ۱۴۰۲ در سالن ممیز خانه هنرمندان ایران برگزار می‌شود. این نمایشگاه با نمایش عکس‌هایی از افسشین قدیگی و آثار ویدئویی به رخدادهای پس از حضور طالبان در افغانستان و جنگ اوکراین می‌پردازد.

علی پاکزاد، روزنامه‌نگار، منتقد و مستندساز، کار حرفه‌ای خود را از سال ۱۳۸۹ آغاز کرد و در آخرین فعالیت‌های خود به‌عنوان خبرنگار روزنامه «ششرق» رخدادهایی همچون جنگ اوکراین، قدرت‌گرفتن مجدد طالبان در افغانستان و زلزله ترکیه را پوشش خبری داده است. او پیش‌تر مستند «Exit» را نیز درباره کودکان مدرسه شین‌آباد ساخته است.

علی پاکزاد در بخشی از استیتمنت نمایشگاه «در برابر فراموشی» نوشته است: «خشونت طبان، جهان را با کلمه جنگ آراسته تا در هر نقطه‌ای از جهان، سایه ویرانی، مرگ و جراحات ماندگار فرصت زندگی مردم را مبدل به رنج‌های همیشگی کند… هدف ما ثبت این وقایع دردناک بوده که نباید تکرار شوند. تصاویری که به عنوان اسناد تاریخی، تمام‌مقد در برابر فراموشی می‌ایستند…».

این نمایشگاه از پنجشنبه، اول تیرماه تا یکشنبه یازدهم تیرماه ادامه دارد. علاقه‌مندان به بازدید از نمایشگاه «در برابر فراموشی» می‌توانند هر روز به جز روزهای شنبه از ساعت ۱۷ تا ۲۱ به نشانی: خیابان طالقانی، خیابان موسوی شمالی (فرصت)، ضلع جنوبی باغ هنر، خانه هنرمندان ایران، گالری ممیز مراجعه کنند.